

## واکاوی ابعاد کیفی عملکرد کارآفرینان معلول

### وحیده مکی زاده\* - سعادۀ عزیززاده<sup>۲</sup>

۱. استادیار دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه هرمزگان

۲. کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه هرمزگان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۶

### چکیده

عملکرد کارآفرینان معلول تنها محدود به پیامدهای مالی نبوده و می‌تواند ارزش‌های کیفی برای سطوح مختلفی خلق نماید. پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تحلیل ابعاد کیفی عملکرد کارآفرینان معلول انجام شده است. این پژوهش از منظر هدف کاربردی و با رویکردی کیفی از نوع مطالعه موردی است. داده‌های پژوهش نیز از طریق انجام مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۱۵ کارآفرین معلول در بازه زمانی مرداد و شهریورماه سال ۱۳۹۹ و در استان‌های هرمزگان، بوشهر و کرمان گردآوری شد. از طریق نمونه‌گیری هدفمند گردآوری شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز طی سه مرحله کدگذاری باز، انتخابی و محوری و رویکرد جهت‌دار انجام شد. در مرحله کدگذاری باز، ۳۲ کد نهایی شدند. در مرحله کدگذاری محوری نیز نه مقوله فرعی شناسایی گردید. مرحله سوم نیز چهار مقوله اصلی که نشان‌دهنده ابعاد کیفی عملکرد کارآفرینان معلول بود را نشان داد. در مقوله فردی ابعاد فرعی عاملیت، و رشد و توسعه فردی شناسایی شد. در مقوله کسب‌وکار نیز ابعاد دسترسی به منابع، و دسترسی به شبکه‌ها استخراج شد. همچنین در مقوله خانواده، ابعاد بهبود بهزیستی و رفاه خانواده از طریق کسب درآمد، و تغییر جایگاه معلولین در خانواده شناسایی شد. در نهایت و در مقوله جامعه نیز، ابعاد فرعی پشتیبانی جامعه، خروجی برای جامعه، و خروجی برای معلولین شناسایی شدند.

واژه‌های کلیدی: عملکرد کیفی، کارآفرینی، معلولین

## مقدمه

مطالعات کارآفرینی حوزه‌ای متنوع است که گروه‌های مختلف، از جمله گروه‌های اقلیت مانند معلولان را در برمی‌گیرد (Saxena and Pandya, ۲۰۱۸)، اما در پژوهش‌ها و نظریه‌های کارآفرینی، کارآفرینی معلولین کمتر مورد توجه قرار گرفته است (Bagheri and Abbariki, ۲۰۱۷). معلولیت واقعیتهای جهانی و چالشی پیش روی همه کشورها است (Widoyoko et al, ۲۰۱۸). معلولیت ساختار ناهمگنی است و عبارت است از نقص طولانی مدت جسمی، ذهنی، فکری یا حسی که مانع از مشارکت کامل و مؤثر افراد معلول در جامعه به‌طور برابر با دیگران می‌شود (Maziriri et al, ۲۰۱۷). به‌عنوان بزرگ‌ترین گروه اقلیت جهان، توجه به اشتغال و نیازهای اجتماعی معلولان، یک سیاست عمومی و دغدغه مدیریتی در سطح جهانی است (Martin and Honig, ۲۰۲۰). تصویر غالب از کارآفرینی با تصویر کلی از افراد معلول تناسبی ندارد (Cooney, ۲۰۰۸). چراکه آن‌ها معلول با چالش‌های متفاوتی جهت ایجاد و توسعه کسب‌وکار مواجه هستند. به‌ویژه در کشور ایران که معلولان فرصت‌های کمی برای به دست آوردن دانش و توانایی‌های کارآفرینی لازم و مشارکت در فعالیت‌های کارآفرینی دارند و نرخ بیکاری معلولان در سن اشتغال حدود ۲۱ درصد است (Bagheri and Abbariki, ۲۰۱۷). حال آن‌که در بسیاری از کشورها، کارآفرینی به‌عنوان یکی از فرصت‌های افزایش مشارکت نیروی کار معلول جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است (Ashley and Graf, ۲۰۱۸). کارآفرینان معلول مانند سایر گروه‌های اقلیت به‌عنوان کارآفرینان دارای عملکرد پایین دیده می‌شوند (Larsson, ۲۰۰۶). دلیل وجود چنین نگاهی در مورد عملکرد کارآفرینان معلول را همسو با روند مطالعاتی غالب (Warnick and McMullen, ۲۰۱۵)، می‌توان محدود نمودن عملکرد آن‌ها به معیارهای ملموس مالی دانست. اگرچه ارزیابی فعالیت کارآفرینی بر اساس این معیارها اهمیت دارد، اما اغلب منجر به تحلیل یک‌سویه‌ای می‌شود که در آن کارآفرینی تنها از منظر عملکرد مالی و بدون اشاره به سایر ابعاد ارزش‌آفرین مانند اثرات اجتماعی آن ارزیابی می‌شود (Zahra et al, ۲۰۰۹). همچنین شناخت پیامدهای فعالیت‌های کارآفرینانه گروه‌های حاشیه‌ای مانند معلولان را محدود می‌سازد. گروه‌هایی که اغلب ارزش قابل توجهی فراتر از ارزش مالی

ایجاد می‌کنند. ارزشی که دارای ابعاد مختلفی بوده و در سطوح مختلف رخ می‌دهد (قمبرعلی و زرافشانی، ۱۳۸۷؛ ۲۰۱۱؛ welter).

طیف متنوع کارآفرینان معلول متأثر از انگیزه‌ها، اهداف، ارزش‌های فردی و عوامل زمینه‌ای معیارهای عملکردی متفاوتی را مدنظر قرار می‌دهند. به‌عنوان نمونه، در مقایسه با بخشی از کارآفرینان غیر معلول که ممکن است کسب سود و رشد کسب‌وکار اولویت نخست آن‌ها باشد، این امکان وجود دارد که کسب استقلال فردی و ارزش‌آفرینی برای سایر معلولان از اهمیت بیشتری برای یک کارآفرین معلول برخوردار باشد (Hsieh et al, ۲۰۱۹). با این حال، متأثر از رویکردهای غالب در مطالعات کارآفرینی، ارزیابی ابعاد غیراقتصادی یا کیفی ارزش‌آفرینی عملکرد کارآفرینان معلول نیز چندان مورد توجه قرار نگرفته است.

اگرچه مطالعات پیشین، با تمرکز بر کشورهای توسعه‌یافته، به ارزش‌های غیرمالی خلق‌شده توسط کارآفرینان معلول اشاره نموده‌اند (Ashley, ۲۰۱۴; Parker Harris et al, ۲۰۱۹; Pagán, ۲۰۰۹; Cooney and Licciardi, ۲۰۱۹; Saxena and Pandya, ۲۰۱۸; Graf, ۲۰۱۸) and اما عمدتاً بر ابعاد فردی تمرکز داشته و همچنین از چارچوب نظری منسجم و یکپارچه‌ای استفاده ننموده‌اند. حال آن‌که کارآفرینی معلولان به‌مانند سایر گروه‌های اقلیت در کارآفرینی، علاوه بر سطح فردی، دارای پیامدهای ذهنی و غیرمالی در سایر سطوح مانند خانواده، کسب‌وکار و جامعه نیز می‌باشد (Sheikh et al, ۲۰۱۹). با توجه به مباحث فوق، می‌توان نتیجه گرفت که واکاوی ابعاد ارزش‌های کیفی و غیرمادی ناشی از کارآفرینی معلولان به شکل جامع و در سطوح چندگانه ضرورت دارد. در همین راستا هدف اصلی این پژوهش شناسایی و تبیین سطوح مختلف عملکرد کیفی و غیرمالی ناشی از کارآفرینی معلولان می‌باشد. یافته‌های این پژوهش می‌تواند ضمن توسعه نظری مطالعات کارآفرینی گروه‌های اقلیت، زمینه پرداختن به پیامدهای کارآفرینی معلولان در حوزه‌ها و سطوح مختلف را و برای ابعاد مالی-اقتصادی فراهم می‌آورد.

### مروری بر مبانی نظری و پیشینه پژوهش

کارآفرینان معلول عمدتاً با عملکرد پایین دیده شده‌اند (Larsson, ۲۰۰۶)، بنابراین، تحقیقات اندکی در مورد موفقیت یا شایستگی‌های آن‌ها انجام شده است (Bagheri & Abbariki, ۲۰۱۷).

(گام مهم پیش از ارزیابی عملکرد کارآفرینان معلول، درک این مسئله است که موفقیت در کسب و کار برای آن‌ها در چارچوب اجتماعی-اقتصادی که در آن کسب و کارهای خود را اداره می‌کنند چه معنایی دارد. کارآفرینان معلول دارای نیازها و انگیزه‌ها و برداشت‌های متفاوتی از ارزش‌آفرینی هستند. رویکرد غالب در مطالعات پیشین، ارزیابی نتایج فعالیت‌های کارآفرینی از نظر مالی، حتی برای معلولین بوده است (به‌عنوان مثال، ۲۰۱۴، Halabisky)، حال آن‌که کارآفرینان برداشت خود را از معنای موفقیت دارند، که فراتر از بازده اقتصادی است. موفقیت کارآفرینی یک مقوله کیفی-ذهنی و چندبعدی است که درک آن برای مطالعات کارآفرینی ضروری است (۲۰۱۶، Wach et al). موفقیت کارآفرینی و تأکید آن بر معیارهای کیفی، آن را به مفهوم روان‌شناختی انگیزه و مفاهیم نزدیک به ارزش‌ها و اهداف مرتبط می‌کند. این ساختارها بازتابی است از ماهیت معیارهایی که توسط کارآفرینان ارزش‌گذاری شده و برای آن‌ها اهمیت دارد (۲۰۰۹، Frese). بر این اساس، ایده اصلی عملکرد کیفی به درک ذهنی از ارزش توسط گیرنده یا استفاده‌کننده بستگی دارد (۲۰۱۹، Sheikh). تعمیم این موضوع به کارآفرینی نشان می‌دهد که عملکرد در کارآفرینی به نحوه درک کارآفرین از این مفهوم بستگی دارد. برداشتی که متاثر انگیزه‌های درونی و بیرونی کارآفرین، عوامل زمینه‌ای (۲۰۱۹، Sheikh) و ارزش‌های شخصی (۲۰۱۱، Gorgievski et al) است. درخصوص ابعاد و معیارهای کیفی موفقیت کارآفرینی توافق چندانی وجود ندارد (۲۰۱۴، Fisher et al)، که شناسایی آن‌ها جهت ارتقاء شناخت از کارکرد کارآفرینی معلولان ضرورت دارد. معلولین غالباً از طریق کارآفرینی ارزش‌های کیفی چون کاهش سطح فقر یا کمک به گروه‌های معلول (۲۰۱۲، Falch & Hernæs)، نوآوری و تغییر نگرش به معلولیت (۲۰۰۸، Angelocci et al)، مقابله با کلیشه‌ها (۲۰۱۲، Yamamoto et al)، ارائه الگو و ارتقاء آگاهی در مورد شایستگی‌های افراد معلول (۲۰۰۰، Blanck et al) یا مزایای فردی را خلق می‌کنند (۲۰۱۲، Yamamoto et al).

موتا و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) با تحلیل محتوای مطالعات کارآفرینی معلولان دریافتند که کارآفرینی معلولان این باور را تقویت می‌کند که معلولیت از توانایی افراد برای تشخیص

<sup>۱</sup> Mota, Marques & Sacramento

فرصت‌ها و داشتن قدرت تصمیم‌گیری در مورد زندگی‌شان جلوگیری نمی‌کند. علاوه بر این، سطح رضایت شخصی آن‌ها افزایش می‌یابد زیرا با ورود کارآفرینان معلول به بازار کار، اعتماد به نفس آن‌ها دوباره افزایش می‌یابد. این نوع کارآفرین فراتر از کسب و کار، به جامعه اطرافش نیز کمک می‌کند. موضوعی که نشان از ارزش‌آفرینی کارآفرینی معلولان در سطح اجتماعی دارد. سیه و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۹) پیامدهای کارآفرینی برای معلولین هم به سه دسته تقسیم کرده که شامل سه حوزه کسب و کار؛ حوزه فردی؛ و حوزه اجتماعی می‌شود. یافته‌های مارتین و هونینگ (۲۰۱۹) نشان می‌دهد کارآفرینی علاوه بر منافع اقتصادی، موجب دسترسی به برخی مزایای اجتماعی - روانی برای آن‌ها می‌شود که از مسیر اشتغال دیگری برای آن‌ها قابل تحقق نیست. این یافته‌ها نشان می‌دهد که راه‌اندازی کسب و کار موجب بهبود خود پنداره افراد معلول شده، احساس شرم و خودکارآمدی را تحت تأثیر قرار داده و از این طریق بر عزت نفس آن‌ها تأثیر گذاشته است. اوسترو و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۸) خوداشتغالی برای افراد مبتلا به ناتوانی‌های روانی را فرصتی برای مراقبت از خود، کسب استقلال، افزایش درآمد، انتخاب شغل، امنیت مالی، خودکفایی و کاهش اتکا به کمک‌ها و حمایت‌های سازمان‌های عمومی یا کارفرمایان شناسایی کرده‌اند. مطالعه جرجفسکی و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۸) نشان داد که ارزش‌های تغییرپذیری و خودساختگی ارتباط مثبتی با مقاصد شغلی کارآفرینانه دارند و این روابط تا حدی توسط نگرش‌های مربوط به کارآفرینی، خودکارآمدی و به میزان کم‌تر توسط هنجارهای اجتماعی هدایت می‌شوند. یافته‌های پژوهش باقری و آب باریکی (۲۰۱۷) که با هدف شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های شایستگی‌های کارآفرینانه کارآفرینان معلول بوده است حاکی از آن است که کارآفرینان معلول شایستگی‌های فردی و عملکردی خاصی دارند. شایستگی‌های فردی شامل شایستگی‌های نگرشی، خودکارآمدی کارآفرینانه و خودکارآمدی آموزش کارآفرینی است. شایستگی‌های کارکردی نیز شایستگی کارآفرینی، تعهد و

---

<sup>۱</sup> Hsieh, Molina & Weng

<sup>۲</sup> Ostrow, Nemeck & Smith

<sup>۳</sup> Gorgievski, Stephan, Laguna & Moriano

شایستگی‌های اجتماعی را در برمی‌گیرد. اشلی و گراف<sup>۱</sup> (۲۰۱۷) در پژوهش خود مزایای خوداشتغالی برای افراد دارای معلولیت را شامل (الف) حداقل سازی ریسک با جلب حمایت‌های مالی در زمان شروع کار (ب)؛ کسب ثروت؛ (ج) دسترسی به منابع غیرمتعارف سرمایه؛ (د) شخصی سازی وضعیت حرفه‌ای؛ (ذ) ارتقاء شغلی و (ر) احساس عزت نفس؛ (س) استقلال در تصمیم‌گیری، (ش) لذت بردن از فعالیت‌های کاری؛ (ص) توجه به ارزش‌ها و اولویت‌های فردی و (ه) ایجاد زمینه برای تغییرات اجتماعی از طریق کاهش تصورات غلط مربوط به قابلیت‌های افراد معلول می‌دانند. پژوهش هوانگ و رولستون<sup>۲</sup> (۲۰۱۵) نشان داد که راه‌اندازی کسب و کار فرصتی برای زندگی افراد معلول ارائه می‌دهند تا به جای آنچه نمی‌توانند انجام دهند، آنچه می‌توانند انجام دهند را مدنظر قرار دهند. باین حال، کسب و کارهای آن‌ها بیشتر احتمال دارد خانگی و کوچک باشد. یافته‌های لارسون<sup>۳</sup> (۲۰۰۶) نشان از تأثیر مثبت کارآفرینی بر افراد معلول و خانواده‌شان دارد. مطالعه وی با تمرکز بر افراد معلول و خانواده آن‌ها نشان داد که هنگام مواجهه با عدم وجود فرصت‌های شغلی ناشی از معلولیت ناگهانی، کارآفرینی می‌تواند اختلالات درون خانوادگی را تا حدود زیادی کاهش دهد. در چنین موقعیتی فرد معلول و خانواده وی اغلب دارای انگیزه لازم جهت شروع کسب و کار جدید هستند. بررسی مطالعات پیشین بیانگر این است که ابعاد کیفی عملکرد در کارآفرینی معلولین عمدتاً به صورت پراکنده و در شکل مزایا و منافع کارآفرینی بوده است. علاوه بر این، اغلب مطالعات انجام شده نیز در کشورهای توسعه یافته بوده و کشورهای در حال توسعه چندان مورد مطالعه قرار نگرفته‌اند. در حالی که کارآفرینان معلول در این گروه از کشورها به دلیل وجود زمینه‌های متفاوت دارای ابعاد، ویژگی‌ها و پیامدهای متمایز از حیث ارزیابی و تحلیل عملکرد آن‌ها است. از همین رو، این پژوهش می‌تواند شروع مناسبی در زمینه در حال توسعه باشد.

---

۱ Ashley & Graf

۲ Hwang & Roulestone

۳ Larsson

## روش‌شناسی

تحقیق حاضر از منظر هدف کاربردی و با رویکرد کیفی - مطالعه موردی و با استفاده از ابزار مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته انجام شده است. ماهیت این پژوهش، ضرورت مطالعه کیفی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. جامعه آماری این پژوهش، معلولین کارآفرین در استان‌های هرمزگان، بوشهر و کرمان بوده‌اند. گردآوری داده‌ها نیز در بازه زمانی مرداد و شهریور ماه سال ۱۳۹۹ صورت پذیرفته است. نمونه‌گیری در این تحقیق به صورت هدفمند و گلوله برفی و تا حصول به اشباع نظری انجام گرفت. این امر در نمونه ۱۳ حاصل شد با این حال به منظور ارتقاء پایایی پژوهش، مصاحبه‌ها تا ۱۵ مصاحبه ادامه یافت. محقق در تحلیل داده‌های کیفی به این روش می‌کوشد تا نکات کلیدی داده‌ها را کشف نماید و برای هر نکته یک کد اختصاص دهد. کدها، مورد مقایسه مداوم قرار می‌گیرند و آن دسته از کدهایی که بر یک جنبه مشترک دلالت نمایند، عنوان یک مفهوم به خود می‌گیرند. چند مفهوم، یک مقوله و چند مقوله، یک مقوله محوری را می‌سازند سوالات مصاحبه با اتکاء به پیشینه پژوهش و متاثر از نوع‌شناسی شیخ (۲۰۱۹) استخراج گردید. به منظور حصول اطمینان نسبت به روایی محتوایی ابزار گردآوری داده‌ها و سازگاری آن با الزامات زمینه بومی پژوهش و کارآفرینی معلولان، سوالات مستخرج توسط دو نفر از اساتید حوزه کارآفرینی نیز مورد ارزیابی قرار گرفته و نهایی گردید. (Gioia et al, ۲۰۱۳). برای تعیین روایی و پایایی پژوهش از چهار معیار روش ارزیابی لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) استفاده شد. (۱) باورپذیری: پژوهشگر با صرف زمان طولانی برای جمع‌آوری داده‌ها، استفاده از ۲ کدگذار برای کدگذاری جهت کسب اطمینان از یکسانی دیدگاه کدگذاران، استفاده از پرسش‌های عینی و نگارش یادداشت یادآور در طول پژوهش، میزان موثق بودن داده‌های پژوهش را به حد قابل قبولی افزایش داده است. (۲) انتقال‌پذیری: برای حصول اطمینان از انتقال‌پذیری یافته‌های پژوهشی ۲ متخصص که در پژوهش مشارکت نداشتند در مورد یافته‌های پژوهش مورد مشورت قرار گرفتند. (۳) در همه مراحل کار و به منظور ایجاد اطمینان‌پذیری، جزئیات پژوهش و یادداشت‌برداری‌ها ثبت و ضبط شد. (۴) تأیید‌پذیری: به این منظور ثبت و ضبط کلیه جزئیات در تمامی مراحل پژوهش حاضر انجام شد. از جمله مستندات می‌توان به متن کامل مصاحبه‌ها به صورت صوتی و متنی

اشاره کرد. به منظور محاسبه ضریب کاپا نیز دو کدگذار بدون اطلاع از نحوه ادغام شاخص ها و مفاهیم ایجاد شده توسط یکدیگر به دسته بندی مفاهیم پرداختند. در نهایت نیز شاخص ها و مفاهیم ایجاد شده توسط دو کدگذار با یکدیگر مقایسه گردید. با استفاده از دو فرمول توافقات مشاهده شده و توافقات شانسی، ضریب کاپای پژوهش ۰/۸۶ به دست آمد که در رتبه اعتبار پذیری بسیار مطلوب قرار گرفت. با استفاده از رویکرد جهت دار و الهام از نوع شناسی شیخ (۲۰۱۹)، تجزیه و تحلیل داده ها طی فرایند کدگذاری سه مرحله ای (کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی) توسط دو کدگذار این مطالعه انجام شد. در مرحله کدگذاری باز، ۵۳ مفهوم به عنوان برچسب های معنادار به واحدهای معنایی نسبت داده شد، اما بعد از پالایش اولیه ۳۲ مفهوم به عنوان مفاهیم اولیه نهایی از واحدهای معنادار متن انتخاب گردید. در مرحله کدگذاری محوری نیز ۸ مقوله فرعی احصاء گردید. در نهایت نیز ۴ مقوله اصلی ابعاد کیفی عملکرد کارآفرینان معلول شناسایی گردید.

## یافته ها

### توصیف جمعیت شناختی

۶ نفر از کارآفرینان زن با میانگین سنی ۳۲ سال و ۹ نفر مرد با میانگین سنی ۳۵ سال بوده اند که ۸ نفر از آن ها متأهل و ۷ نفر مجرد بوده اند. سابقه کاری آن ها حداقل ۲ سال و حداکثر ۱۰ سال بوده است. ۸ نفر دارای مدرک دیپلم، ۱ نفر کاردانی، ۵ نفر کارشناسی و ۱ نفر کارشناسی ارشد داشته اند. فعالیت کارآفرینانه ایشان هم در زمینه صنایع دستی، خدمات IT و تعمیرات، خدمات مشاوره، خرده فروشی، فست فود، سالن زیبایی، گلخانه داری و پرورش بلدرچین بوده است. از نظر نوع معلولیت نیز ۶ نفر از مشارکت کنندگان دارای ناهنجاری استخوانی، ۳ نفر فلج عضو، ۲ نفر ناشنوا، ۲ نفر ناهنجاری عضلانی، ۱ نفر قطع عضو و ۱ نفر نیز مبتلا به ضایعات نخاعی بودند. چنانچه پیشتر اشاره شد به منظور تحلیل داده ها از فرایند کدگذاری سه مرحله ای استفاده شد. جدول ۱ این فرایند را نشان می دهد. چنانچه در این جدول ملاحظه می شود، چهار مقوله / سطح اصلی عملکرد کیفی کارآفرینان معلول شناسایی گردید که تفسیر آن ها در ادامه ارائه شده است.



جدول ۱. کدگذاری ثانویه ابعاد کیفی عملکرد کارآفرینان معلول

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفهوم‌ها	کد نمونه
سطح فردی	رشد فردی	مطالبه‌گری برای خود و سایر معلولان	م ۲، ۴، ۵، ۷، ۱۲
		افزایش احترام و شناخت	م ۲، ۳، ۴، ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۴
		استقلال شخصی	م ۳، ۵، ۶، ۷، ۱۰، ۱۲، ۱۵
		یادگیری	م ۵، ۶، ۷، ۱۰، ۱۵
		اعتمادبه‌نفس	م ۴، ۶، ۷، ۱۴، ۹، ۱۵
		تغییر ذهنیت	م ۲، ۴، ۵، ۱۰، ۱۲
		بهبود مهارت‌های ارتباطی	م ۲، ۳، ۵، ۹، ۱۲، ۱۳، ۱۴
		تقویت معنویت	م ۳، ۴، ۵، ۸، ۹
		تغییر کلیشه‌های مرتبط با معلولین	م ۵، ۶، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۳
		مثبت‌اندیشی	م ۱، ۳، ۵، ۶، ۸، ۱۰، ۱۴
		احساس رضایت از خود	م ۲، ۴، ۶، ۷، ۸
		امید به آینده	م ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۱۱
سطح کسب و کار	دسترسی به منابع	خودباوری	م ۲، ۳، ۵، ۶، ۱۲، ۱۳، ۱۴
		دسترسی به منابع مالی	م ۱، ۲، ۷، ۸، ۹، ۱۲، ۱۳
		ارتقاء اعتماد و پایه مشتری	م ۱، ۳، ۴، ۷، ۸، ۹
		بهبود مهارت‌های کسب و کار	م ۲، ۳، ۶، ۷، ۸، ۱۴، ۱۵
دسترسی به شبکه‌ها	بهبود دانش انجام کسب و کار	م ۲، ۳، ۵، ۷، ۱۰، ۱۴	
	دسترسی به شبکه‌های رسمی و غیررسمی	م ۱، ۲، ۳، ۴، ۱۰، ۱۲	
سطح خانواده	بهبود و رفاه خانواده از طریق درآمدزایی	شادکامی بیشتر خانواده	م ۱، ۳، ۵، ۶، ۱۲، ۱۳
		کاهش هزینه‌های ناشی از معلولیت برای خانواده	م ۲، ۳، ۴، ۷، ۸
		بهبود رفاه خانواده	م ۱، ۲، ۷، ۹، ۱۴، ۱۵
	تغییر جایگاه معلولان در خانواده	بهبود روابط خانوادگی	م ۳، ۵، ۷، ۱۴
		حمایت خانواده از فرد معلول	م ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۳، ۱۵
		تغییر نگرش خانواده نسبت به معلولان	م ۳، ۵، ۹، ۱۱، ۱۳
سطح جامعه	پشتیبانی جامعه	افزایش مشارکت در تصمیم‌گیری	م ۲، ۴، ۳، ۵، ۷، ۹، ۱۴
		کسب اعتماد و تشخیص	م ۶، ۷، ۸، ۱۲، ۱۴
	خروجی برای جامعه	ترویج کارآفرینی در سطح جامعه	م ۴، ۷، ۱۰، ۱۴، ۱۵
		رفع نیازهای جامعه از طریق کسب و کار	م ۲، ۳، ۴، ۶، ۱۰، ۱۱
		استخدام سایر معلولین	م ۱، ۲، ۴، ۵، ۹، ۱۲، ۱۴
		کمک به ارتقاء حمایت اجتماعی از معلولان	م ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۳
خروجی برای معلولان	کمک به توسعه فردی و شغلی معلولین	م ۴، ۵، ۷، ۸، ۱۰	
	الهام بخشی به معلولین	م ۲، ۶، ۸، ۹	

## سطح فردی

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بیشترین مفاهیم مربوط به ابعاد کیفی عملکرد کارآفرینان معلول به سطح فردی بازمی‌گردد. این مفاهیم دو بعد اصلی را شامل می‌شوند: عاملیت و رشد فردی. بعد عاملیت به توانایی ایجاد تغییر از سوی کارآفرینان معلول اشاره دارد. این یافته نشان می‌دهد که این گروه از کارآفرینان قادرند با کنش کارآفرینانه خود برای احقاق حقوق جامعه معلولان و رفع تبعیض‌هایی که علیه آنان در جامعه یا حوزه کسب و کار وجود دارد عمل نمایند. تجربه‌ای که مصاحبه‌شونده شماره ۱۲ چنین اظهار نموده است: «هرکاری از دستم برمی‌آید برای رفع تبعیض و احقاق حقوق معلولان انجام می‌دهم». بعد رشد فردی نیز بیان گر بهبود و ارتقاء قابلیت‌ها، مهارت‌ها و ادراکات فرد نسبت به خود است. به گونه‌ای که کارآفرینی موجب شده که این افراد تغییرات درونی مثبتی چون افزایش خودباوری، اعتمادبنفس، رضایت از خود، مثبت‌اندیشی، امید به آینده و معنویت را تجربه نمایند. تجاربی که در این روایات مصاحبه‌شوندگان اظهار شده است: «کاملاً مستقل فعالیت می‌کنم و دیگر وابستگی به خانواده ندارم... حتی برای رفت و آمد هم دیگر از خانواده کمک نمی‌گیرم (P۳)»، «اگر فهرست کنم کارها و استعدادهایم را شاید خیلی‌ها حسرت کارهایم را بخورند و این تعریف نیست یک موضوع است که آثارش موجود و تندیس‌هایش را همه دارم... به این خاطر هیچ‌گاه در جاهایی که مسئله‌ای بوده نیامدم معلولیت را پیش بکشم (P۴)»، «راه‌اندازی کسب و کار بسیار مؤثر بوده و اعتمادبه‌نفسم را زیاد کرد... خودم را بیشتر قبول دارم و اعتمادبه‌نفسم برای انجام کارها بیشتر شده (P۴)». از سوی دیگر، ارتقاء مهارت‌های فردی چون مهارت‌های ارتباطی نیز دستاورد دیگر کارآفرینی برای آن‌ها بوده است. تجربه‌ای که مصاحبه‌شونده شماره ۵ چنین شرح می‌دهد: «مهارت ارتباطی‌ام هم خیلی خوب شده است و با مشتریان رابطه خوبی دارم. جذب و حفظ مشتری برایم مهم است و روابط اجتماعی‌ام بیشتر شده... دیگر خجالتی و کم‌رو نیستم». احساس افزایش احترام و تغییر کلیشه‌ها نیز از دیگر موارد مرتبط با رشد فردی کارآفرینان معلول بوده است. روایت مصاحبه‌شوندگان مویده این امر است: «حالا جامعه هم نگاهش به من متفاوت شده است و روی من بیشتر حساب می‌کنند من حالا در بطن جامعه قرار گرفته‌ام، ..... از من مشاوره و راهنمایی خواسته می‌شود (P۱۱)».

اگر کسب و کار من نبود من هنوز همان کلیشه‌ها را یدک می‌کشیدم ولی الان نه تنها خودم به آن‌ها باور ندارم، تلاش می‌کنم در معلولین دیگر و حتی در جامعه هم اثری از این کلیشه‌ها نباشد (P۸)».

### سطح کسب و کار

سطح بعدی ابعاد کیفی عملکرد برای کارآفرینان معلول به سطح کسب و کار بازمی‌گردد. یافته‌ها نشان می‌دهد که پاسخگویان دو بعد دسترسی به منابع و دسترسی به شبکه‌ها را به‌عنوان ابعاد کیفی عملکرد خود مطرح نموده‌اند. آن‌ها توانسته‌اند که طی فعالیت کارآفرینی خود به طیف متنوعی از منابع دست‌یابند که منابع مالی و منابع غیرمالی شامل مهارت‌های کسب و کار، دانش انجام کسب و کار، ارتقاء اعتماد مشتری و دانش کسب و کار را شامل می‌شود. دستاوردهایی که به‌عنوان نمونه در روایت مصاحبه‌شوندگان شماره ۱۳ و ۷ انعکاس یافته است: «با تایید خوش‌حسابی‌ام توسط املاکی، بانک پذیرفت که برای وام پروانه کسبم را به‌عنوان ضمانت بپذیرد. الان علاوه بر اینکه آن وام را تسویه کردم، خیلی راحت‌تر از قبل می‌توانم وام بگیرم». «الان دیگر شناخته شده هستیم... خروجی و فعالیت‌های مثبت ما را دیدند این اعتماد ایجاد شد و حالا دسترسی خوبی به مشتری و بازار داریم». همچنین توانسته‌اند که دسترسی به شبکه‌های رسمی و غیررسمی که خود را نیز بهبود بخشند. امری که با توجه به وجود برخی محدودیت‌های اجتماعی برای معلولان، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. تجربه‌ای که مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ چنین شرح داده است: «روابط من با خیلی جاها شکل گرفت و طبیعتاً بیشتر شد چون بعد از فروش باید ارتباط داشته باشی با مشتری و به او خدمات بدهی تا باز هم به سمت شما بیاید... ارتباطم با سمن‌ها و ادارات هم خیلی گسترش پیدا کرده است».

### سطح خانوادگی

ابعاد مربوط به سطح خانواده نیز دیگر پیامدهای کیفی عملکردی برای کارآفرینان معلول بوده است. تحلیل مفاهیم نشان می‌دهد که کارآفرینی معلولان موجب بهبود رفاه خانواده از طریق درآمدزایی آن‌ها شده است: «قبلاً اجاره‌نشین بودیم ولی با وجود تمام سختی‌ها الان توانستیم یک خانه و چند زمین بخریم...» (P۱۴). توانایی مالی آن‌ها موجب ارتقاء شادکامی

خانواده آن‌ها نیز شده است. تجربه‌ای که توسط مصاحبه‌شونده شماره ۱۲ چنین روایت شده است: «وقتی موفقیت من را دیدند رضایت آن‌ها هم بیشتر شد و احساس خوشحالی مان هم بالاتر رفت (P۱۲)». همچنین آن‌گونه که مصاحبه‌شونده شماره ۲ می‌گوید کاهش هزینه‌های ناشی از معلولیت را نیز در پی داشته است: «بعد از راه‌اندازی کارم هیچ پولی از خانواده نگرفتم و هزینه‌های درمانی را هم خودم دادم». بهبود روابط خانوادگی نیز دیگر دستاورد مهم کارآفرینی معلولان بوده است. امری که به نظر می‌رسد که می‌تواند متاثر از بهبود رفاه خانواده نیز باشد. دستاوردی که مصاحبه‌شونده شماره ۱۳ چنین اظهار داشته است: «رابطه با خانواده بهتر شد قبلاً احساس طردشدگی داشتم از سمتشان... اما پس از راه‌اندازی کارم روابطم با خانواده خیلی بهتر شده». تغییر نگرش خانواده به معلولان دیگر پیامد ناشی از کارآفرینی معلولان بوده است: «الان احساس می‌کنم جایگاهی مثل بقیه خواهرانم در خانواده دارم (P۵)». راه‌اندازی و مدیریت کسب‌وکار از سوی آن‌ها موجب افزایش حمایت خانواده از فرد معلول شده است. همچنین زمینه افزایش مشارکت در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی را نیز برای آن‌ها فراهم آورده است. پیامدهایی که این‌گونه بیان شده است: «با کمک برادرم این مغازه را راه‌انداختم. برادرم خیلی حمایت کرد و اگر کمک‌های او نبود من هنوز خانه‌نشین بودم (P۴)». «استقلال شخصی باعث شد که نقش و تأثیرم در تصمیم‌گیری‌های خانواده بیشتر شود چون الان بیشتر به من و توانایی‌هایم باور دارند (P۷)».

### سطح جامعه

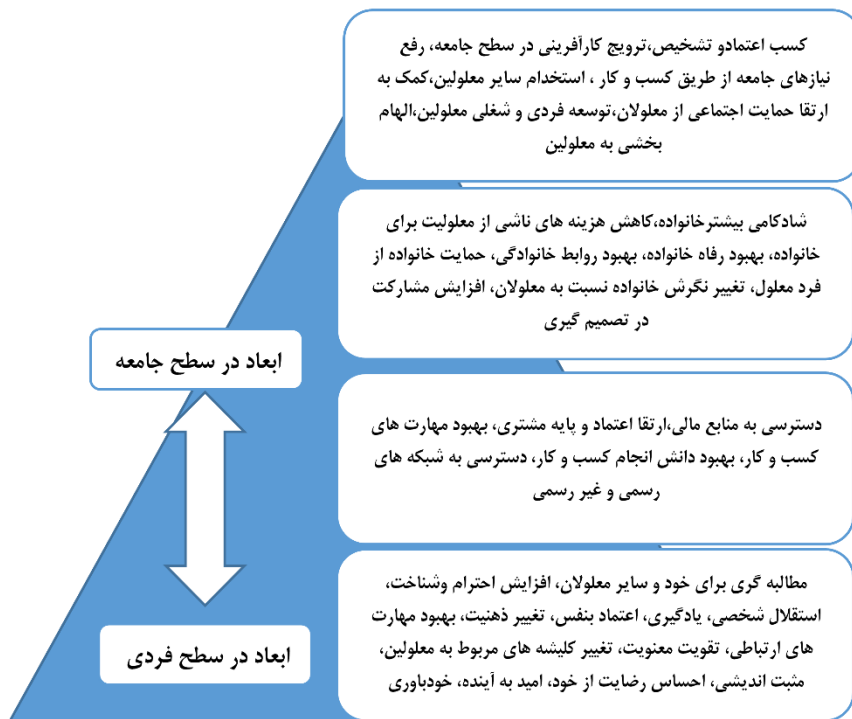
تحلیل یافته‌های پژوهش نشان داد که کارآفرینی معلولان سه پیامد کیفی عملکردی در سطح جامعه به دنبال داشته است که عبارتند از: پشتیبانی جامعه، خروجی برای جامعه و خروجی برای معلولان. بر مبنای یافته‌ها کارآفرینی معلولان موجب شده که جامعه به توانایی‌های آن‌ها اعتماد نماید. ترویج کارآفرینی و رفع نیازهای جامعه نیز دیگر پیامد کارآفرینی آن‌ها بوده است. دستاوردهایی که به این شکل توسط مشارکت‌کنندگان مختلف اظهار شده است: «سال اول مشتری که می‌آمد با خودش می‌گفت این یک معلول است یعنی می‌تواند کار من را انجام بدهد؟! ولی الان حتی بعضی از هم‌صنفی‌ها هم کارشان را می‌دهند که من انجام بدهم (P۱۲)».

«دوستانم (غیر معلول) خیلی به کار چرم‌دوزی علاقه‌مند شدند و آمدند پیش من یاد گرفتند و بعد برای خودشان مشغول به کار شدند (P۷)». «دوره‌های آموزشی که توی موسسه من برگزار شده باعث شد اشخاصی مشغول کار شوند (P۱۰)». یکی دیگر از مهم‌ترین پیامدهای کارآفرینی معلولان در این سطح، پیامدهای آن برای جامعه معلولان بوده است. آن‌ها علاوه بر بکارگیری معلولان، موجب ارتقاء حمایت اجتماعی از آن‌ها شده‌اند. همچنین موجب تشویق آن‌ها جهت راه‌اندازی کسب‌وکار شده و به توسعه فردی و شغلی آن‌ها نیز کمک نموده‌اند. تجاربی که چنین روایت شده است: «از همان اول هدف داشتیم که با آموزش معلولان و گسترش کارگاه به اشتغال معلولان کمک کنیم. سه معلول جسمی دیگر را هم مشغول کردیم (P۲)». «کار ما باعث شد معلولان دست‌کم گرفته نشوند. به آن‌ها فرصت و عرصه داده شود و حمایت شود تا استعدادهايشان را شکوفا کند (P۸)». «با ارائه فعالیت‌هایم به سایر معلولان توانستم رویشان تأثیر بگذارم... بعضی از آن‌ها الان کسب‌وکار دارند (P۱۵)». «سه سال در کرمان دوره‌های آموزشی را با معلولین دیگر گذراندم. بعد از بازگشت تصمیم گرفتم به هنر جوهای تحت پوشش بهزیستی به صورت رایگان آموزش بدهم (P۸)».

### بحث و نتیجه‌گیری

چنانچه در جدول ۵ مشاهده می‌شود یافته‌های این تحقیق در چهار سطح فردی، کسب‌وکار، خانوادگی و جامعه دسته‌بندی شده‌اند که اجزا و عناصر ارزشی هر کدام در شکل ۱ نشان داده شده‌اند. ذکر این نکته اهمیت دارد که چهار سطح کیفی عملکرد با یکدیگر مرتبط هستند. یک شخص معلول می‌تواند برای خودش ارزش ایجاد کند (ارزش فردی) اما هم‌زمان مزایایی نیز به سایر سطوح یا ذینفعان انتقال دهد. بنابراین عملکرد کیفی کارآفرینی معلولان یک مفهوم چند سطحی است که در چهار سطح متمایز اما یکپارچه ارزش‌های غیرمالی ناشی از فعالیت کارآفرینی معلولین را نشان می‌دهد. ارزش آفرینی کیفی کارآفرینی معلولان در مطالعات پیشین کارآفرینی معلولان چندان مورد توجه نبوده و متاثر از روندهای مطالعاتی حاکم بر مطالعات کارآفرینی، عمده تمرکز بر ابعاد مادی عملکرد آن‌ها بوده است.

نقطه تمایز پژوهش حاضر با مطالعات پیشین کارآفرینی معلولان، علاوه بر واکاوی تفصیلی ابعاد کیفی عملکرد آنان، ارائه تبیین چندسطحی و یکپارچه از این ابعاد است. حال آن که توجه صرف به ابعاد مالی و غفلت از ابعاد غیرمالی عملکرد کارآفرینی معلول مانع از ارائه تصویری دقیق و جامع از پیامدهای عملکردی این گروه از کارآفرینان اقلیت می‌گردد. خلایبی که این پژوهش درصدد رفع آن بوده است.



شکل ۱. ابعاد چندگانه عملکرد کیفی کارآفرینی

یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که عملکرد کیفی یا ارزش آفرینی ناشی از کارآفرینی معلولین شامل ۴ مقوله اصلی، ۹ مقوله فرعی و ۳۲ زیر مقوله می‌باشد. در این میان ارزش‌های حاصل در سطح فردی با بیشترین فراوانی با دو مقوله عاملیت و رشد فردی توصیف شده است. تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد عاملیت با ارزش‌های مبارزه با بی‌عدالتی و تبعیض علیه

معلولان و مطالبه‌گری توصیف‌شده است که در تحقیقات گذشته پژوهشگران (Fairlie, ۲۰۰۵؛ Ostrow et al, ۲۰۱۸؛ sheikh, ۲۰۱۹) نیز بر آن تأکید شده است. رشد فردی با ابعاد ارزشی اعتماد به نفس، استقلال شخصی، بهبود مهارت‌های ارتباطی، افزایش شناخت و احترام، فرصت یادگیری (Martin & Honig, ۲۰۲۰؛ Mota et al, ۲۰۲۰؛ Hwang & Roulstone, ۲۰۱۴؛ Parker Harris et al, ۲۰۱۷؛ Ashley & Graf, ۲۰۱۹) و تغییر در ذهنیت، خودباوری، مثبت‌اندیشی، احساس رضایت از خود، تقویت معنویت، امید به آینده و تغییر کلیشه‌های مرتبط با معلولین که (sheikh, ۲۰۱۹؛ Pagán, ۲۰۰۹؛ Ashley & Graf, ۲۰۱۷؛ Halabisky, ۲۰۱۴؛ Cooney, ۲۰۰۸؛ Uddin & Jamil, ۲۰۱۵؛ Saxena & Pandya, ۲۰۱۸) در تحقیقات پیشین اشاره کرده‌اند. ارزش ایجاد شده در سطح کسب و کار دارای دو مقوله دسترسی به شبکه‌ها و دسترسی به منابع می‌باشد. دسترسی به شبکه‌های رسمی و غیررسمی از طریق کارآفرینی در پژوهش‌های (sheikh, ۲۰۱۹؛ Bagheri et al, ۲۰۱۵؛ Hsieh et al, ۲۰۱۹) تأیید شده است. دسترسی به منابع هم با ابعاد ارزشی دسترسی به منابع مالی، ارتقاء اعتماد و پایه مشتری، بهبود مهارت‌های کسب و کار، توسعه کسب و کار، بهبود دانش انجام کسب و کار در پژوهش‌های (Widoyoko et al, ۲۰۱۸؛ آراستی و اکبری, ۱۳۸۷؛ Csillag et al, ۲۰۱۹؛ Renko, ۲۰۱۶؛ Parker Harris et al, ۲۰۱۴؛ sheikh, ۲۰۱۹) مورد تأکید بوده است. ارزش‌های سطح خانوادگی دو مقوله بهبود بهزیستی و رفاه خانواده از طریق ابعاد درآمدی و تغییر جایگاه معلولین در خانواده بوده است. مقوله اول با ابعاد ارزشی کاهش هزینه‌های ناشی از معلولیت برای خانواده، بهبود خوشبختی خانواده، رفاه خانواده و بهبود روابط خانوادگی توصیف شده است که پژوهشگرانی مانند (Pagán, ۲۰۰۹؛ Sheikh, ۲۰۱۹؛ Gyóri et al, ۲۰۱۴؛ Halabisky, ۲۰۱۹؛ Ostrow, et al, ۲۰۱۹) بر آن تأکید داشته‌اند. مقوله تغییر جایگاه معلولین در خانواده هم با زیر مقوله‌های حمایت خانواده از فرد معلول، تغییر نگرش نسبت به فرد معلول و مشارکت در تصمیم‌گیری که در تحقیقات پیشین اشاره شده است (Mota et al, ۲۰۲۰؛ Larsson, ۲۰۰۶). ارزش‌های به دست آمده در سطح چهارم یعنی جامعه با سه مقوله ارزشی خروجی برای جامعه، خروجی برای جامعه معلولان و جلب اعتماد و شناخت از جامعه مشخص شده‌اند. مقوله

خروجی برای جامعه با ابعاد ارزشی ترویج کارآفرینی در سطح جامعه و رفع نیازهای جامعه از طریق کسب و کار (Korsgaard & Anderson, ۲۰۱۱؛ Luke et al, ۲۰۰۷؛ Gorgievski et al, ۲۰۱۱)، خروجی برای جامعه معلولان با ابعاد ارزشی استخدام سایر معلولین، شرکت در اجتماع معلولین، الهام بخشی به معلولین و توسعه فردی و شغلی معلولین (Cooney, ۲۰۰۸؛ Maritz & Laferriere, ۲۰۱۶؛ Hsieh et al, ۲۰۱۹؛ Larsson, ۲۰۰۶) و مقوله جلب اعتماد و شناخت از جامعه با زیر مقوله‌های ارزشی دیده شدن در نتیجه اثبات توانمندی‌ها، کسب احترام و حمایت بیشتر از معلولین که در پژوهش‌های پیشین به آن‌ها اشاره شده است (Jacocks & Bell, ۲۰۲۰؛ Maritz & Laferriere, ۲۰۱۶؛ Hsieh et al, ۲۰۱۹).

### پیشنهادها

با توجه به ابعاد کیفی عملکرد کارآفرینی معلولان در سطوح مختلف فردی، کسب و کار، خانواده و اجتماعی پیشنهادات کاربردی ذیل ارائه می‌گردد:

◀ ارائه مشوق‌ها به کارآفرینان معلول همسو با سطوح ارزش خلق شده: براین اساس پیشنهاد می‌شود که سیاست‌گذار متناسب با ارزش آفرینی معلولان در هر سطح، مشوق‌های قانونی به آن‌ها ارائه نمایند. به‌عنوان نمونه، چنانچه کارآفرینان معلول نسبت به به‌کارگیری معلولان در کسب و کار (ارزش آفرینی در سطح اجتماعی) خود اقدام نماید از امتیازات تشویقی مانند معافیت مالیاتی برخوردار شوند.

◀ به‌منظور ایجاد آگاهی در سطح خانواده و جامعه و نیز تشویق سایر معلولان جهت ورود به حوزه کسب و کار پیشنهاد می‌شود رسانه‌های پرمخاطب مانند تلویزیون و شبکه‌های اینترنتی به‌طور مستمر برنامه‌های ویژه جهت پوشش فعالیت کارآفرینان معلول تهیه و پخش شود. این امر موجب ارتقاء آگاهی جامعه از ارزش‌های خلق شده توسط آن‌ها خواهد گردید.

◀ به‌منظور افزایش سطح عاملیت فردی (ارزش آفرینی در سطح فردی) کارآفرینان معلول پیشنهاد می‌شود که نهادهای مربوطه مانند بهزیستی نسبت به برپایی کارگاه‌های آموزشی/ توانمندسازی در حوزه مهارت‌های کسب و کار و مهارت‌های فردی برای معلولان اقدام نمایند.



◀ مستندسازی تجارب و بهترین اقدامات/ روش‌های کارآفرینان معلول و در اختیار سایر معلولان قرار دادن.

◀ با توجه به پیامدهای کیفی عملکرد کارآفرینان معلول و در راستای تسهیل دسترسی آن‌ها به منابع مالی جهت راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکار پیشنهاد می‌شود که حمایت‌های مالی ویژه توسعه کارآفرینی معلولان از سوی نهادهای مربوطه طراحی و اجرا گردد.

◀ همچنین پیشنهاد می‌شود در استان‌ها/ مناطق دفاتری جهت مشاوره شغلی و آموزش مهارت‌های کارآفرینی به معلولان از جمله تدوین طرح تجاری، دانش مالی و مدیریت قبل و بعد از راه‌اندازی کسب‌وکار راه‌اندازی شود.

این پژوهش در کنار یافته‌ها، با محدودیت‌هایی نیز مواجه است. با توجه به عدم بررسی تاثیر عوامل زمینه‌ای بر پیامدهای، پیشنهاد می‌شود مطالعات آتی تاثیر این عوامل را نیز مورد بررسی قرار دهند. ارزش‌های ایجاد شده نیز تنها از منظر کارآفرینان معلول مطالعه شده است. بررسی تطبیقی نظرات کارآفرینان معلول و ذینفعان آن‌ها فرصت پژوهشی دیگری است. همچنین مطالعات آتی می‌توانند با استفاده از روش‌های کمی و آمیخته قابلیت تعمیم‌پذیری یافته‌ها را ارتقاء دهند. همچنین این مطالعه در یک مقطع زمانی انجام شده و تاثیر چرخه‌های عمر فرد یا کسب‌وکار را بر روی ابعاد کیفی عملکرد کارآفرینی معلولان مورد بررسی قرار نداده است. بررسی تاثیر این متغیر بر عملکرد کیفی این گروه از کارآفرینان فرصت پژوهشی دیگری است.

## منابع

- آراستی، ز. و اکبری جوکار، م. (۱۳۸۷). استراتژی‌های مدیریتی و رویکرد زنان کارآفرین ایرانی به موفقیت. فصلنامه مدرس علوم انسانی، ۱۲(۱)، ۷۷-۵۵.
- قمبرعلی، ر. و زرافشانی، ک. (۱۳۸۷). شناسایی شاخص‌های موفقیت کارآفرینان روستایی با استفاده از تحلیل مقیاس‌بندی چند بعدی. توسعه کارآفرینی، ۱(۲)، ۱۶۰-۱۳۱.
- Anderson, M., & Galloway, L. (۲۰۱۲). The value of enterprise for disabled people. *The International Journal of Entrepreneurship and Innovation*, 13(۲), ۹۳-۱۰۱.
- Angelocci, R. M., Lacho, K. J., Lacho, K. D., & Galle, W. P. (۲۰۰۸). Entrepreneurs with disabilities: the role of assistive technology, current status and future outlook. In *Allied Academies International Conference. Academy of Entrepreneurship*, ۱۴(۱), ۱-۵.
- Ashley, D. and Graf, N. M. (۲۰۱۷). The Process and Experiences of Self Employment Among People with Disabilities: A Qualitative Study. *Rehabilitation Counseling Bulletin* ۶۱(۲), ۹۰-۱۰۰.
- Bagheri, A., & Abbariki, M. (۲۰۱۷). Competencies of disabled entrepreneurs in Iran: implications for learning and development. *Disability & Society*, 32(۱), ۶۹-۹۲.
- Bagheri, A., Azizi, M., & Fard, F. M. (۲۰۱۵). Managerial skills required by entrepreneurs with physical and mobility disabilities. *International Journal of Management Sciences*, 5(۸), ۵۷۱-۵۸۱.
- Blanck, P. D., Sandler, L. A., Schmeling, J. L., & Schartz, H. A. (۲۰۰۰). The emerging workforce of entrepreneurs with disabilities: preliminary study of entrepreneurship in Iowa. *Iowa Law Review*, ۸۵, ۱۵۸۳-۱۶۶۸.
- Cooney, T. (۲۰۰۸). "Entrepreneurs with Disabilities: Profile of a Forgotten Minority." *Irish Business Journal* ۴ (۱): ۱۱۹-۱۲۹.
- Csillag, S., Gyori, Z., & Svastics, C. (۲۰۱۹). Long and winding road? *Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy*.
- Fairlie, R.W. (۲۰۰۵) 'Entrepreneurship and earnings among young adults from disadvantaged families', *Small Business Economics*, ۲۵, ۲۲۳-۲۳۶.
- Falch, R., & Hernæs, U. J. V. (۲۰۱۲). *Disability, social identity, and entrepreneurship: evidence from a laboratory experiment in rural Uganda* (Master's thesis).
- Fisher, R., Maritz, A. and Lobo, A. (۲۰۱۴), "Evaluating entrepreneurs' perception of success: Development of a measurement scale", *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, ۲۰(۵), ۴۷۸-۴۹۲.
- Frese, M. (۲۰۰۹). *Toward a psychology of entrepreneurship: An action theory perspective*. Now Publishers Inc.
- Gioia, D. A., Corley, K. G., & Hamilton, A. L. (۲۰۱۳). Seeking qualitative rigor in inductive research: Notes on the Gioia methodology. *Organizational Research Methods*, 16(۱), ۱۵-۳۱.
- Gorgievski, M. J., Ascalon, M. E., & Stephan, U. (۲۰۱۱). Small business owners' success criteria, a values approach to personal differences. *Journal of Small Business Management*, 49(۲), ۲۰۷-۲۳۲.

- Gorgievski, M. J., Stephan, U., Laguna, M., & Moriano, J. A. (۲۰۱۸). Predicting entrepreneurial career intentions: values and the theory of planned behavior. *Journal of career assessment*, 26(۳), ۴۵۷-۴۷۵.
- Györi, Z., Svastics, C., & Csillag, S. (۲۰۱۹). Push and pull motivations of entrepreneurs with disabilities in Hungary. In *7th International OFEL Conference on Governance, Management and Entrepreneurship: Embracing Diversity in Organisations. April ۵th- 7th, ۲۰۱۹, Dubrovnik, Croatia* (pp. ۲۵۱-۲۶۶). Zagreb: Governance Research and Development Centre (CIRU).
- Halabisky, D. (۲۰۱۴), "Entrepreneurial Activities in Europe - Entrepreneurship for People with Disabilities", OECD Employment Policy Papers, No. ۶, OECD Publishing, Paris, <https://doi.org/10.1787/0jxrcmkcxjq4-en>.
- Hsieh, Y. C., Molina, V. M. J., & Weng, J. (۲۰۱۹). The road to entrepreneurship with impairments: A challenges-adaptive mechanisms-results model for disabled entrepreneurs. *International Small Business Journal*, 37(۸), ۷۶۱-۷۷۹.
- Hwang, S. K., & Roulstone, A. (۲۰۱۵). Enterprising? Disabled? The status and potential for disabled people's microenterprise in South Korea. *Disability & Society*, 30(۱), ۱۱۴-۱۲۹.
- Jacocks, C., & Bell, G. (۲۰۲۰). Entrepreneurs with Disabilities: Making a Difference in Society Through Social Entrepreneurship. In *Social Entrepreneurship and Corporate Social Responsibility* (pp. ۱۱۷-۱۲۹). Springer, Cham.
- Korsgaard, S., & Anderson, A. R. (۲۰۱۱). Enacting entrepreneurship as social value creation. *International Small Business Journal*, 29(۲), ۱۳۵-۱۵۱.
- Larsson, S. (۲۰۰۶) 'Disability management and entrepreneurship. Results from nationwide study in Sweden', *International Journal of Disability Management Research*, ۱(۱), ۱۵۹-۱۶۸.
- Lincoln, Y.S & Guba E.G. (۱۹۸۵). *Naturalistic Inquiry*. Beverly hills, CA: SAGE.
- Luke, B., Verreynne, M. L., & Kearins, K. (۲۰۰۷). Measuring the benefits of entrepreneurship at different levels of analysis. *Journal of Management & Organization*, 13(۴), ۳۱۲-۳۳۰.
- Maritz, A. & Laferriere, R. (۲۰۱۶). Entrepreneurship and self-employment for people with disabilities. *Australian Journal of Career Development*, 25(۲), ۴۵-۵۴.
- Martin, B. C., & Honig, B. (۲۰۲۰). Inclusive Management Research: Persons with Disabilities and Self-Employment Activity as an Exemplar. *Journal of Business Ethics*, 166(۳), ۵۵۳-۵۷۵.
- Maziriri, E. T., Madinga, W., & Lose, T. (۲۰۱۷). Entrepreneurial Barriers that are confronted by Entrepreneurs living with Physical Disabilities: A Thematic Analysis. *Journal of Economics and Behavioral Studies*, 9(۱), ۲۷-۴۵.
- Mota, I., Marques, C., & Sacramento, O. (۲۰۲۰). Handicaps and new opportunity businesses: what do we (not) know about disable entrepreneurs? *Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy*, 14(۳), ۳۲۱-۳۴۷.
- Ostrow, L., Nemeč, P. B., & Smith, C. (۲۰۱۹). Self-employment for people with psychiatric disabilities: Advantages and strategies. *The journal of behavioral health services & research*, 46(۴), ۶۸۶-۶۹۶.
- Pagán, R. (۲۰۰۹) 'Self-employment among people with disabilities: evidence for Europe', *Disability & Society*, ۲۴(۲), ۲۱۷-۲۲۹.

- Parker Harris, S., Renko, M., & Caldwell, K. (۲۰۱۴). Social entrepreneurship as an employment pathway for people with disabilities: exploring political economic and socio-cultural factors. *Disability & Society*, 29(۸), ۱۲۷۵-۱۲۹۰.
- Renko, M., Harris, S. P., & Caldwell, K. (۲۰۱۶). Entrepreneurial entry by people with disabilities. *International Small Business Journal*, 34(۵), ۵۵۵-۵۷۸.
- Saxena, S. S., & Pandya, R. S. K. (۲۰۱۸). Gauging underdog entrepreneurship for disabled entrepreneurs. *Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy*.
- Sheikh, S. (۲۰۱۹). *Value creation through female entrepreneurship in Pakistan* (Doctoral dissertation, Cardiff University).
- Uddin, M. A., & Jamil, S. (۲۰۱۵). Entrepreneurial barriers faced by disabled in India. *Asian Social Science*, 11(۲۴):, ۷۲-۷۹.
- Wach, D., Stephan, U., & Gorgievski, M. (۲۰۱۶). More than money: Developing an integrative multi-factorial measure of entrepreneurial success. *International Small Business Journal*, 34(۸), ۱۰۹۸-۱۱۲۱.
- McMullen, J.S and Warnick, B. (۲۰۱۶), 'The downside of blended value and hybrid organizing. *Journal of Management Studies*, ۵۳, ۶۳۰-۶۶۲.
- Welter, F. (۲۰۱۱). Contextualizing entrepreneurship: conceptual challenges and ways forward. *Entrepreneurship Theory and Practice*, ۳۵(۱), ۱۶۵-۱۸۴.
- Widoyoko, S. E. P., Setiawan, B., Sholeh, K., & Shina, M. I. (۲۰۱۸). Model of Entrepreneurship for People with Disabilities. In *SHS Web of Conferences* (Vol. ۵۴, p. ۰۶۰۰۸). EDP Sciences.
- Yamamoto, S., Unruh, D., & Bullis, M. (۲۰۱۲). The viability of self-employment for individuals with disabilities in the United States: A synthesis of the empirical-research literature. *Journal of Vocational Rehabilitation*, 36(۲), ۱۲۱-۱۳۴.
- Zahra, S, Gedajlovic, E, Neubaum, D and Schulman, J. (۲۰۰۹). A typology of social entrepreneurs: Motives, search processes and ethical challenges. *Journal of Business Venturing*, ۲۴(۵), ۵۱۹-۳۲.